

برنامه‌ریزی ناحیه‌ای با استفاده از برنامه ریزی بر مبنای سناریوها (تبیین الگوی چشم‌انداز ناحیه کاشان)

لطف‌الله فروزنده دهکردی^۱، علی‌اصغر شیره‌پز آرانی^{۲*}، سعیدرضا جندقیان بیدگلی^۳

چکیده

نابرابری‌های منطقه‌ای و ناحیه‌ای همواره یکی از دغدغه‌های سیاستگذاران بوده است و برنامه‌ریزان درصدد شناخت این نابرابری‌ها و ارایه سیاستهای ویژه‌ای برای کاهش آن بوده‌اند. یکی از عوامل مؤثر بر نابرابری‌های ناحیه‌ای، کم توجهی به آثار فضایی سیاستگذاری در سطح کشور است. عدم ارتباط منطقی بین توزیع و تخصیص سرمایه‌گذاری‌ها با عامل مکان و فضا از یک طرف و توزیع منابع به صورت بخشی از سوی دیگر، به عدم تعادل در توزیع امکانات و نابرابری‌های درآمدی مناطق و گرایش به تمرکز در یک یا چند نقطه محدود می‌شود. در این مقاله مدل چشم‌انداز ناحیه کاشان، با استفاده از روش تحلیل SWOT و برنامه‌ریزی سناریوها تبیین شده است. با استفاده از این روش، بر مبنای نیروهای محرک کلیدی، چندین آینده ممکن، کشف و «تعریف» شده و سپس یک آینده شدنی و مطلوب انتخاب شده است. برای تحقق آینده مطلوب به عنوان چشم‌انداز کاشان، تصمیمات و جهت‌گیری‌های استراتژیک اتخاذ شده است. در چشم‌انداز پیشنهادی ناحیه کاشان، شهرستان‌های مختلف خواهند کوشید تا بر محور یکپارچگی در سطح ناحیه بر ارزش‌های انسجام و همبستگی تأکید ورزند و راهبردهای خود را در قالب یک طرح توسعه ناحیه‌ای محقق و اجرایی سازند. این امر موجب هم‌افزایی بین فعالیت‌های توسعه‌ای شهرستان‌های مختلف کاشان خواهد شد و محدوده‌ی همگن طبیعی و جغرافیایی ناحیه کاشان به هم پیوندی اقتصادی و عملکردی منجر خواهد شد. بنیاد سناریوی توسعه متوازن کاشان به عملکرد همسوی شهرستان‌های شکل دهنده ناحیه کاشان و تشکیل یک کل منسجم با ارتباطات درونی گسترده و توجه به وزن فعلی قابل توجه شهر کاشان استوار خواهد بود. این سناریو به تعادل فضایی مطلوب و توسعه متوازن ناحیه‌ای منجر خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: برنامه‌ریزی بر مبنای سناریو، موضوعات استراتژیک، همسویی استراتژیک، ناحیه کاشان.

^۱ استادیار مدیریت دانشگاه پیام نور، مرکز تهران، ایران.

^۲ دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی، دانشگاه پیام نور، مرکز تهران، ایران.

^۳ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: Shirepaz@yahoo.com، ۹۱۳۱۶۳۰۱۱۲

بیان مسأله :

گرچه بسیاری از مفاهیم در علوم مختلف معانی و یا تعبیری گونه‌گون می‌یابد، لیکن به دلیل غایتی نهایی که همان توسعه است این دو یا چند افتراق سرانجامی واحد می‌یابند، چشم‌انداز نیز از این قاعده مستثنی نیست، علم مدیریت به چشم‌انداز نگاهی آینده‌نگرانه و تیزبینانه داشته و به عناصر انسانی و روابط اجتماعی و سطوح برخورداری از تکنولوژی و پیوندهای بین آنان نگاهی ویژه داشته و از طرفی جغرافیدانان و برنامه‌ریزان منطقه‌ای به فضا و روابط اجتماعی و مناسبات تکنولوژیک و پیوندهای آنان نگاهی اکولوژیک دارد و از همین دیدگاه، چشم‌انداز را دارای ۴ خصیصه می‌دانند که اتفاقاً در بستر فعالیت‌های مدیریتی با دیدگاه‌های «کارل ساور» واضح مکتب چشم‌انداز همسو می‌باشد، این چهار ویژگی عبارتند از:

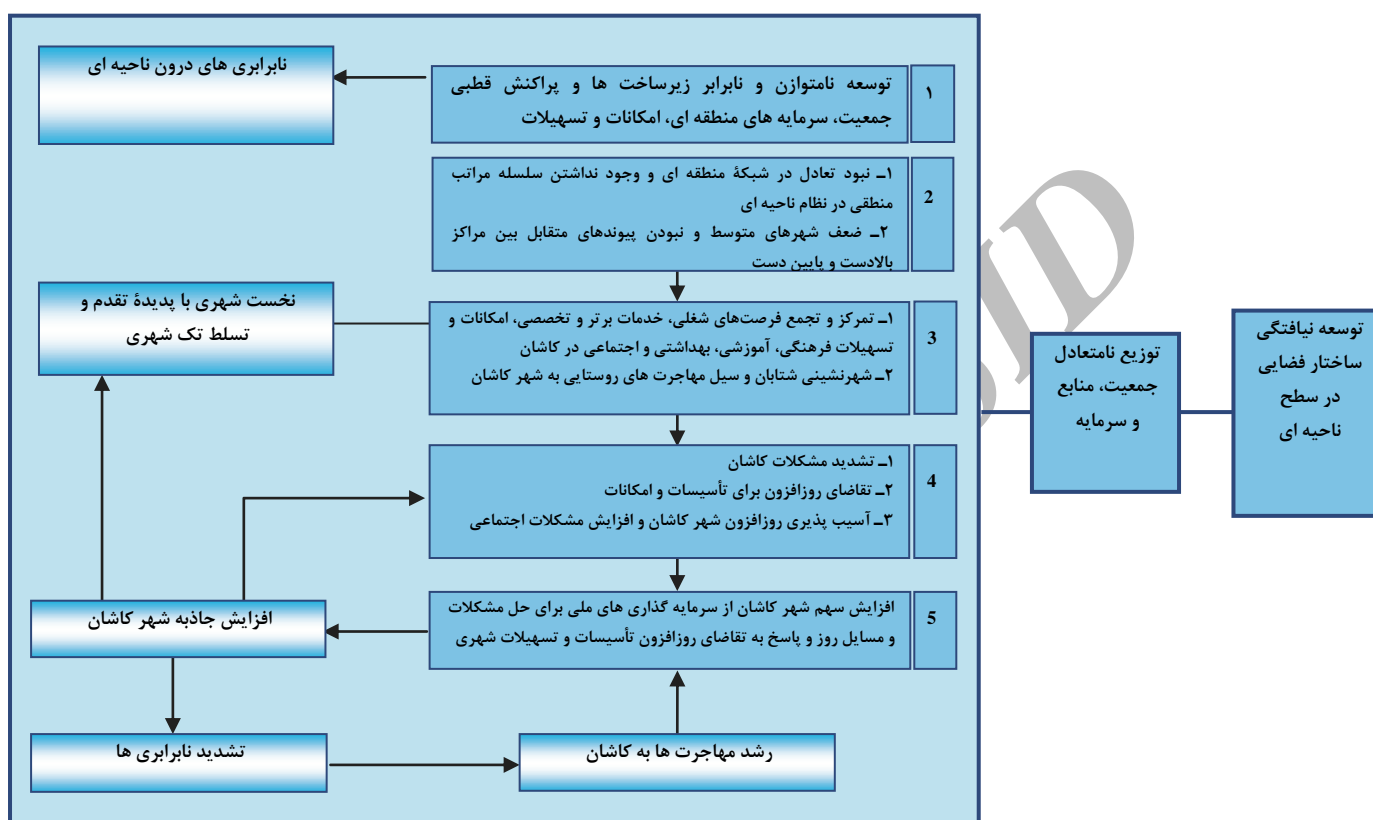
۱. مجموعه‌ای از زیست بومها (اکوسیستمها)
 ۲. جریانها و تأثیرات متقابل بین زیست بومها
 ۳. اقلیم و ژئومورفولوژی
 ۴. رژیم از اختلالات و آشفتگیها (یا مجموعه‌ای از محدودیتها و توانها).
- در هر صورت چشم‌انداز و فلسفه‌ی استفاده از این دست مفاهیم بدلیل رسایی در بیان مفهوم نیاز به تبیین میان رشته‌ای بیشتری داشته و با توجه به ساختارهای اجتماعی- فرهنگی و سیاسی- اقتصادی و حتی امنیتی قابلیت تعمیم و تحقیق بیشتری را دارد. اما در این مقاله اهمیت چشم‌انداز و چشم‌انداز سازی در تعیین سرنوشت اقتصادی، اجتماعی و کالبدی شهرها و مناطق به گونه‌ای است که می‌توان آن را به مثابه قلب فرایند برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای محسوب نمود. در وضعیت کنونی یعنی در عصر جهانی شدن و تشدید رقابت شهرها و مناطق، تدوین و اجرای چشم‌انداز برای شهرها دیگر نه یک انتخاب بلکه به یک ضرورت بدل شده است. کیفیت چشم‌انداز شهرها و مناطق و چگونگی آن در تعیین سرنوشت اقتصادی، اجتماعی و کالبدی آنها نقش حیاتی ایفا می‌نماید (گلکار، ۱۳۸۴: ۱۲).

ناحیه کاشان متشکل از ۵ شهرستان است که در بسیاری از وجوه طبیعی، اقتصادی، اجتماعی از همگنی و مشابهت زیادی برخوردارند. اگر چه وضعیت شهرستان کاشان تا حدود زیادی از بقیه شهرستانها متفاوت است، ولی در مورد دیگر شهرستانها مواردی چون پایین بودن نرخ رشد جمعیت و عدم توانایی آنها در حفظ جمعیت طبیعی، مهاجرت‌فرستی شدید روستایی، نسبت شهرنشینی و میزان با سواد، بالا بودن گروه سنی بالای ۶۵ سال و پایین بودن گروه سنی ۱۴-۰ سال و میزان برخورداری هر یک از شهرستانها در زمینه جمعیت، اشتغال، آموزش، بهداشت و درمان، آب و کشاورزی، صنعت و معدن این همگنی و مشابهت به خوبی مشاهده می‌شود. مرکز هر یک از شهرستانها طی ادوار مختلف از طریق ارتباط ارگانیک با پس کرانه‌های روستایی از موقعیت یک منطقه مرکزی برخوردار شده‌اند. این ارتباط در گذشته به واسطه‌ی نقش عملکردی منطقه به عنوان محلی برای مبادله محصول و ارائه خدمات از کارایی خوبی برخوردار بوده است، ولی امروزه با تغییر شرایط اقتصادی و قوانین حاکم بر روابط اقتصادی و جهت‌گیری خاص توسعه‌ای در جهت قطبی شدن بعضی از شهرها که از دهه‌های قبل از انقلاب آغاز شده بود، این تعادل و توازن تا حدود زیادی به هم خورده است. اگر چه مرکز شهرستانها همچنان از نقش مرکزی خود در سطح شهرستان برخوردارند، ولی از یکسو موقعیت و اهمیت خود را در نظام بالاتر ناحیه و ملی از دست داده‌اند و از سوی دیگر با مهاجرت وسیع روستاییان، نظام حمایت‌گر پیرامونی خود را از دست داده و با پشتوانه‌های ضعیف اقتصادی روبرو شده‌اند. این ضعف در نقش و عملکرد آنها موجب شده است تا شهرهای ناحیه به شهرهای کوچک و ضعیف در سطح نظام ملی تبدیل شوند. در سطح ناحیه، شهر بزرگ کاشان با جمعیت ۲۷۰ هزار نفر توانسته تا حدودی در سطح‌بندی نظام ملی، جایگاه مطلوبتری به دست آورد.

شهر کاشان علیرغم وجه تاریخی، اشتغال و تمرکز شدید عملکردهای تجاری، خدماتی، صنعتی، آموزشی و گردشگری هنوز از آن چنان قدرت جاذبه که بتواند به عنوان یک قطب اقتصادی و یا یک گزینه جدی در مقابل مرکز استان و تهران در سطح ناحیه مطرح باشد، برخوردار نیست. نگاهی به شبکه ارتباطات محلی و ناحیه‌ای نشان می‌دهد که از یک سو ارتباطات فرعی از روستاها به مرکز شهرستانها وجود دارد و از سوی دیگر ارتباطات اصلی بین مرکز شهرستان با شهر اصفهان و هر یک از این شهرستانها با یک، دو یا سه محور اصلی به شهر کاشان مربوط می‌شوند (نمودار شماره ۱). اما به علت هموزن بودن

نسبی تمرکز و ضعف بنیان‌ها و توانمندی‌های لازم هیچ یک از شهرستان‌ها نتوانسته‌اند نقش قوی‌تری در ناحیه ایفا کنند و هر یک از شهرستان‌ها به صورت یک سیستم مستقل با مرکز استان ارتباط برقرار می‌کنند، در این راستا شهر کاشان از حیثه‌ی نفوذ و تأثیرگذاری فراتر از محدوده شهرستان و نیز تمرکز نسبتاً بالایی برخوردار می‌باشد (شیره‌پز آرانی، ۱۳۸۶: ۱۴۶). به طوری که شهر کاشان که جاذب بسیاری از فعالیت‌های خدماتی و تولیدی می‌باشد، موجب جذب جمعیت شده و این دور تسلسل موجب تشدید فاصله‌ای قطب جمعیتی شهر کاشان با مناطق اطراف و افزایش روند نابرابری‌های ناحیه شده است. با این تفاسیر مقاله حاضر به تبیین چشم‌انداز ناحیه کاشان از توابع استان اصفهان می‌پردازد.

نمودار ۱- تحلیل توسعه یافتگی در سطح ناحیه کاشان



۲- مبانی نظری:

۲-۱- تحلیل چشم‌انداز

تحلیل چشم‌انداز، به معنای پیش‌بینی که تحت تأثیر کمیت سنجی و نتیجه‌گیری بر اساس روندهاست، نمی‌باشد. چشم‌انداز شیوه‌ای از اندیشیدن به سود عمل و علیه سرنوشت‌گرایی است. چشم‌انداز راهی است برای همگان تا کنترل آینده خویش را به دست گیرند. چشم‌انداز شیوه‌ای از اندیشیدن است که با نگرستن به آینده‌های ممکن، بر عمل کنونی روشنی می‌افکند. چشم‌انداز آینده را صرفاً به عنوان تداوم گذشته نمی‌بیند. در تحلیل چشم‌انداز، آینده کثیر و نامعین است، لذا آینده نوشته نشده است، بلکه در معرض آن است که ایجاد شود. آنچه در آینده رخ می‌دهد، نتیجه اعمال و اقدامات کنونی است، لذا آینده نه تنها توسط گذشته، بلکه به وسیله‌ی تصویر آینده که بر چهره حال حک شده است، تبیین می‌گردد. تدوین چشم‌انداز باید بر اساس ارزیابی واقعی وضعیت موجود و بررسی واقع‌بینانه احتمالات باشد، اما نباید بر محدودیت‌های گذشته استوار باشد. چشم‌انداز برای حصول فرصت‌های نوظهور و بهره‌گیری از تمام قابلیت‌ها برای استفاده از فرصت‌ها در ورای جاذبه‌های لحظه‌ای و چالش‌های فرارو عمل می‌کند. چشم‌انداز دارای این ویژگی‌هاست: الف - وصف روشن و فشرده از آینده ناحیه است. ب - بیان ویژگی‌هایی است که به ناحیه، تصویری قابل ادراک و متمایز از سایر مناطق می‌بخشد. ج - مجموعه‌ای از ارزشهاست که تصمیم‌گیری‌های آتی را هدایت می‌نماید (گلکار، ۱۳۸۴).

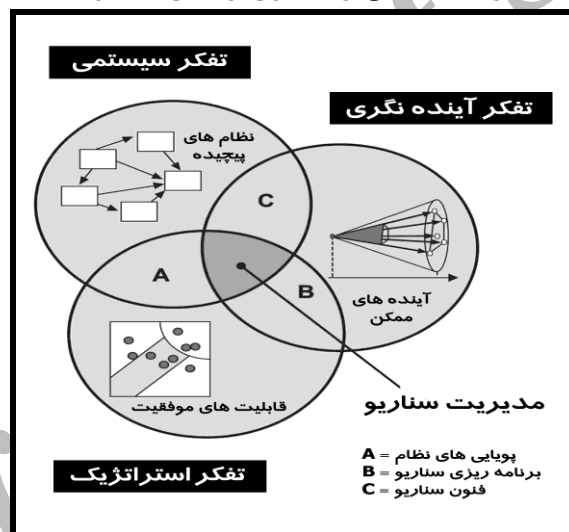
۲-۲- اهمیت چشم انداز

اهمیت تدوین چشم انداز در تعیین سرنوشت اقتصادی، اجتماعی و کالبدی شهرها و مناطق به گونه‌ای است که می‌توان آن را به مثابه قلب برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای دانست. در وضعیت کنونی و با وجود رقابت شدید شهرها و مناطق که بر سر کسب سهم بیشتری از امکانات، ثروت و استعدادهای درخشان و سرمایه‌های فکری صورت می‌گیرد، تدوین و اجرای چشم‌انداز برای شهرها و مناطق نه تنها یک انتخاب بلکه به یک ضرورت بدل شده است. در همان حال که شهرهای دارای چشم‌انداز، آینده مطلوب خود را خواهند آفرید، شهرهای فاقد چشم‌انداز توسط روندهای موجود به آینده «هُل» داده خواهند شد. به عبارت دیگر تنها راه برون رفت از محیط تصمیم سازی‌های روز به روز و سیاست‌های سلیقه‌ای که بدون شک آینده شهرها را تهدید می‌کنند، هدایت و مدیریت استراتژیک بر مبنای چشم‌اندازی است که بر اساس ارزش‌های مشترک جامعه و مشارکت ذینفعان شکل گرفته باشد. چنین چشم‌اندازی نمی‌تواند محصول تفکر و ارزش‌های جمع کوچکی از برنامه‌ریزان و طراحان شهری باشد، بلکه لازم است بر مبنای فرایندی عقلایی و شفاف شکل گرفته باشد (منبع پیشین، ۱۳۸۴).

۲-۳- برنامه‌ریزی بر مبنای سناریوها

توصیه به آینده‌نگری توصیه به پیشگویی و اقدام برای کشف آینده محتوم نیست، بلکه تلاشی برای شناخت آینده‌های ممکن و محتمل بر مبنای اطلاعات به دست آمده از گذشته و حال است تا به کمک آن، تصمیمات امروز خود را سامان دهیم (اکرمی، ۱۳۷۶: ۱۲). همچنین آینده‌نگری به عنوان بخشی از تفکر استراتژیک است که برای فراهم‌سازی امکان گسترش استنباط‌هایی برای گزینه‌های استراتژیک قابل وصول به کار می‌رود (گوده، ۱۳۷۵: ۱۲). (نمودار شماره ۲).

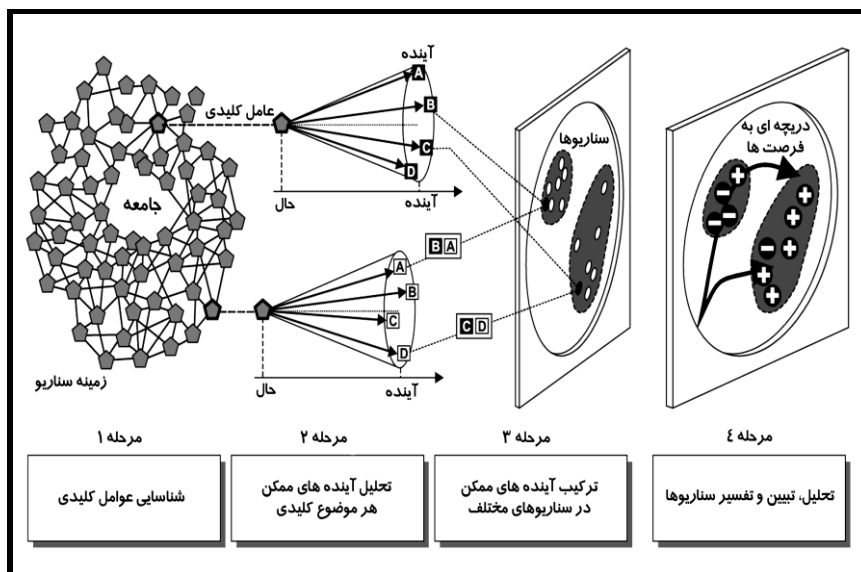
نمودار ۲- ارکان برنامه‌ریزی بر مبنای سناریوها



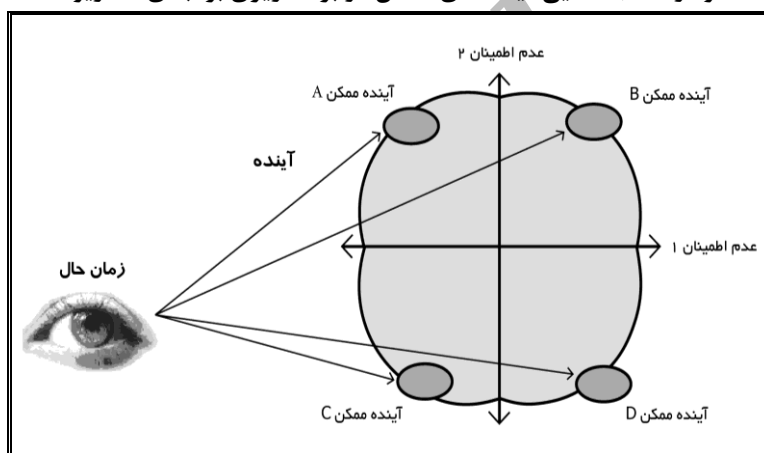
برنامه‌ریزی بر پایه سناریو روشی منظم است که از آن برای کشف نیروهای پیشران و کلیدی در متن تغییرات شتابان، پیچیدگی‌های فوق العاده و عدم قطعیت‌های متعدد استفاده می‌شود. (نمودار شماره ۳). مقصود از تعریف سناریوها انتخاب فقط یک آینده مرجح و آرزوی به حقیقت پیوستن آن یا پیدا کردن محتمل‌ترین آینده و سعی در تطبیق با آن نیست، بلکه قصد اصلی برنامه‌ریزی بر پایه سناریو اتخاذ تصمیم‌هایی استراتژیک است که برای «همه آینده‌های ممکن» به اندازه کافی خردمندانه و پابرجا باشند (شوارتز، ۱۳۸۹: ۱۲). هدف اصلی سناریوها، خلق تصاویر کلی و کامل از محتویات احتمالی آینده است (لیندگرن، ۱۳۸۹: ۳۵). همچنین سناریوها باید تصمیم‌گیرندگان را آگاه کند و بر تصمیم‌گیری تأثیر بگذارند و آن را تقویت کنند. تحلیل اکتشافی مبتنی بر چشم‌انداز، منظر گسترده‌ای است از آینده یا سناریوهای ممکن که در پرتو علیتهای گذشته و تعامل میان مقاصد طرفهای ذینفع نامتحمّل نیستند (وندرهیدن، ۱۳۸۹: ۲۵). (نمودار شماره ۴). هر یک از سناریوها، مجموعه-

ای منسجم از فرضهاست. «برنامه‌ریزی بر پایه فرضیه»^۱ ابزاری است که می‌توان به کمک آن برنامه‌هایی پابرجا تر و انطباق پذیرتر تهیه کرد. هدف از کاربرد برنامه‌ریزی بر پایه سناریو کاهش تعداد شگفتی‌های اجتناب‌پذیر است (شوارتز، ۱۳۸۸: ۲۱).

نمودار ۳- مراحل برنامه ریزی بر مبنای سناریوها



نمودار ۴- شناسایی آینده‌های ممکن در برنامه‌ریزی بر مبنای سناریوها



۲-۴- مراحل برنامه‌ریزی بر مبنای سناریوها

«توماس مندل و یان ویلسون» معتقدند مدیران آنچه را برای تصمیم‌گیری لازم است باید جمع‌آوری کنند و گروه تدوین سناریو نیز اتفاقات و روندها و عدم قطعیت‌هایی که بر تصمیم‌گیری مؤثرند را مشخص می‌کنند و به تجزیه و تحلیل نیروهای که آینده را شکل می‌دهند، می‌پردازند (وندرهیدن، ۱۳۸۹: ۲۵۱). تدوین‌گران سناریو، قوانین حرکت و مسیرهای مختلف حرکت آینده را مشخص می‌سازد. هر نظریه، نیروهای بحرانی و اصلی و عدم قطعیت‌های منحصر به خود را دارد. آنها با استفاده از این نظریه‌ها، سناریو را به طور مفصل توصیف می‌کنند. سپس آن را برای به کارگیری در تصمیمات و ارزشیابی گزینه‌های مختلف استراتژیک و دستیابی به آنها مهیا می‌سازند (علی‌احمدی و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۲).

«پیتر شوارتز» در کتاب خود «هنر دیدگاه بلندمدت» گام‌های فرایند ساخت سناریو را چنین توصیف کرده است: ۱- مشخص کردن موضوع اصلی؛ ۲- تعیین عوامل کلیدی و فرایندهای مهم محیطی؛ ۳- شناسایی نیروهای پیشران وقتی فاکتورهای

^۱. Assumption-Based Planning

کلیدی فهرست شد؛ ۴- رتبه‌بندی بر اساس اهمیت و عدم قطعیت؛ ۵- انتخاب منطق سناریو یا نقشه‌ی حرکت؛ ۶- کامل کردن سناریو: نیروهای پیشران، منطق‌هایی را که موجب تمایز سناریوهاست، مشخص می‌سازند؛ ۷- بررسی پیامدها و نتایج هر سناریو: پس از تدوین سناریوهای مقدماتی، باید به موضوع اصلی و هدف سناریوها بازگردیم و مشخص شود که این هدف در هر سناریویی چگونه جای می‌گیرد و چه نقاط ضعفی دارد؟؛ ۸- انتخاب نشانگرها و راهنماهای راهبردی برای انتخاب راهبرد (شوارتز، ۱۳۸۶: ۲۱۱). ساخت سناریوها هم می‌تواند با یک فرایند طولانی و پیچیده و هم به طور خلاصه در یک کارگاه انجام گیرد.

ویلسون معتقد است که باید بین دو تا چهار سناریو طراحی شود. وی پنج معیار برای انتخاب سناریو، پیشنهاد می‌کند: ۱- احتمال یا باورپذیری: سناریوهای منتخب باید قابل وقوع باشند؛ ۲- متمایز کردن: باید از نظر ساختاری متمایز باشند و انواع آنها برای همان موضوع ساده نباشند؛ ۳- انطباق: ترکیب منطق‌ها در یک سناریو باید سازگاری درونی ساختار را تضمین کند که به باورپذیری آن آسیب نزند؛ ۴- مطلوبیت تصمیم‌گیری: هر سناریو باید بینش خاص در مورد آینده ارائه کند که به اخذ تصمیم مشخص شده در مرحله یک کمک می‌کند؛ ۵- بررسی: سناریوها باید بینش سازمان در مورد آینده را به چالش بکشاند (لیندگرن، ۱۳۸۹: ۶۳). همچنین «هینک و شواگر» (۱۹۹۵) چهار معیار برای سناریوهای جمع‌آوری کردند (لمس‌پذیری، نزدیکی، وابستگی، ساختار) که در جدول شماره ۱ خلاصه می‌شوند (Loveridge, 2008: 45).

جدول ۱- معیارهای سناریوهای تدوین شده

۱	قابلیت درک	وضوح (اجتناب از درک اشتباه)، ارتباط با هدف تحقیق، تناسب، شفافیت
۲	انسجام محتوایی	بی‌عیبی (بدون فرضیات غلط)، باورپذیری، تکامل، یافتن پیوستگی‌ها، توصیف ایجاد، محتوای اطلاعات (دقت، فایده، کلیت)
۳	وابستگی	کارکرد تصمیم، کارکرد جهت‌یابی، وابستگی فرایندهای مختلف، طراحی (ساخت هدف، شناسایی و تحلیل مسائل، پیش‌بینی، ارزیابی و تصمیم‌گیری).
۴	ساختار و ترکیب سناریوها در میان خودشان	متفاوت بودن، ثبت تمام موقعیت‌های آینده، اظهارات و اشکال یک دست، ثبات، ارزیابی بازده هر فعالیت در آینده

۲-۵ - موضوعاتی که بردار آینده هستند:

۲-۵-۱- دانش، اطلاعات و نوآوری

از میانه‌ی دهه ۱۹۹۰ مفهوم جدید توسعه منطقه‌ای با مزیت نسبی اقتصادی در نوآوری در چارچوب محیطی که تسهیل‌کننده یادگیری تعاملی و شبکه‌بندی میان بنگاه‌هاست، مطرح شد. در این چارچوب نظریه‌های جدید توسعه منطقه‌ای با تمرکز بر محیط و قلمروهای اقتصادی صنایع (استور، کاماکنی) و نقش خوشه‌ها و شبکه‌ها (پورتر و مورگان) متولد شد. در این نظریه‌ها مزیت نسبی به طور فزاینده‌ای ناشی از توانایی و ظرفیت مناطق برای تسهیل، تولید، کسب، کنترل و به کارگیری دانش و اطلاعات در افزایش نوآوری و بازاریابی تلقی شد و این باور تقویت شد که ارتباطات فضایی میان سازمان‌ها از طریق مشارکت در اطلاعات، شبکه تحقیق، زنجیره تأمین، تشریک مساعی صنایع کوچک و متوسط امکان‌پذیر است (رفعیان، ۱۳۸۶: ۱۸). مزیت‌نسبی به تنهایی مبنای عرضه‌ی محصولات در قالب کالاها و خدمات به شمار نمی‌آیند، بلکه این مزیت‌های رقابتی هستند که نقش تعیین‌کننده‌تری ایفا می‌کنند، به عبارت دیگر بر خلاف آنچه ریکاردو در نظریه معروف که دو عامل منابع طبیعی خدادادی و ضریب نسبی عوامل تولید (وجود سرمایه و نیروی کار نسبتاً فراوان) را در خلق مزیت نسبی مؤثر می‌دانست، در جهان امروز، دانایی و مهارت، سرچشمه یگانه و منحصر به فرد خلق مزیت رقابتی به شمار می‌آید.

۲-۵-۲- رقابت مناطق

با ظهور اقتصاد دانش محور، حوزه موضوعات رقابتی به طور قابل توجهی تغییر کرده است. مناطق هم‌اکنون با یکدیگر در موضوعات زیر رقابت می‌کنند: ۱- جذب نیروی کار ماهر؛ ۲- جذب سرمایه‌گذاری جدید و شغل‌های کیفی؛ ۳- ارتقای سهم آنها در بازارهای ملی و بین‌المللی. (جدول شماره ۲).

جدول ۲- دیدگاه سنتی و نوین توسعه شهرها و مناطق

موضوع	دیدگاه سنتی	دیدگاه جدید
اهداف	۱- جذب شغل ۲- جذب دارایی	۱- شرکت های با ارزش افزوده بالا ۲- مشاغل با کیفیت بالا ۳- رقابت در عرصه بین المللی
ماهیت رقابت	هزینه های پایین در اثر تولید انبوه	۱- انعطاف پذیری ۲- پاسخگویی ۳- نوآوری ۴- مشتری گرایی
رقبا	۱- ناحیه ای ۲- ملی	۱- دائم ۲- بین المللی
دارایی های رقابتی	۱- هزینه های پایین زمین ۲- دستمزد پایین نیروی کار ۳- انرژی با هزینه پایین ۴- زیرساخت های سخت	۱- نیروی کار ماهر، ۲- نهادهای منطقه ای، ۳- کیفیت زندگی، ۴- تحقیق و توسعه، ۵- فن آوری، ۶- دسترسی به منابع مالی، ۷- ارتباط با اقتصاد جهانی
مدل فعالیت های اقتصادی	فعالیت های اقتصادی محدود در قالب شرکت های جدا	۱- شبکه ای، ۲- خوشه ها، ۳- پیوندهای راهبردی
استراتژی توسعه	حفظ و جذب فعالیت های اقتصادی	۱- استراتژی جامع اقتصادی، ۲- زنجیره ارزش
اقدامات اجرایی	۱- بازاریابی ۲- انگیزاننده های مالیاتی	۱- توسعه مهارت، ۲- نوآوری، ۳- کارآفرینی، ۴- فضای حمایتی برای فعالیت های اقتصادی، ۵- اشتراک استراتژیک

۲-۵-۳- ابعاد جدید رقابت

ماهیت رقابت در اقتصاد دانش محور از اقتصاد عصر صنعتی متفاوت می باشد. در اقتصاد دانش محور، درحالی که رقابت در کاهش هزینه ها موضوع اصلی باقی می ماند، رقابت بر اساس ابعاد زیر شکل می گیرد:

الف) - انعطاف پذیری: جابه جایی سریع اطلاعات در سراسر جهان در کنار تغییر سریع فن آوری می تواند باعث تغییر سریع شرایط رقابتی شود. ب) - موقعیت شناسی: درحالی که انتشار اطلاعات و دانش سرعت می گیرد و چرخه عمر محصول، کوتاهتر می شود، رقابت در بازارها اغلب مبتنی بر تولید محصولات جدید، پیشرفته یا گاهی اوقات تنها محصولی متفاوت برای بازاریابی سریع تر از هر رقیب دیگر می باشد. پ) - دسترسی به اطلاعات و دانش: دسترسی به دانش قابل اتکا در رشد سهم ارزش افزوده محصولات (کالاها و خدمات) نقش اساسی دارد و برای تصمیم های کسب و کار، اساسی می باشد. ت) - توانایی برای نوآوری: خلاقیت و نوآوری هم به لحاظ محصولات و هم شیوه های تولید، حاشیه رقابتی را برای شرکت ها و مناطق فراهم می آورد. کسب روش های نوین برای افزودن ارزش به محصولات و خدمات برای نایل شدن به موفقیت حیاتی است.

۲-۵-۴- منابع رقابت

منابعی که رقابت نواحی در اقتصاد دانش محور از آن ناشی می شود از اقتصاد سنتی متفاوت می باشد و شامل موارد زیر است:

الف) - دانش و نیروی کار ماهر: در اقتصادی که موتور محرکه آن سرمایه فکری، خلاقیت، ابتکار و قابلیت های مهارتی نیروی کار می باشد، توسعه دانش و مهارت، عوامل اصلی رشد اقتصادی می باشند.

ب) - کیفیت زندگی: حفظ و جذب نیروی کار ماهر و سرمایه فکری که موجب رشد اقتصاد ناحیه ای می شود تا حدود زیادی بستگی به کیفیت زندگی در ناحیه دارد. کیفیت زندگی شامل یک محیط فیزیکی جذاب، سالم و ایمن و جامعه منسجم است که فرصت هایی را برای رشد فردی و حرفه ای و یک محیط پویا و جذاب برای خانواده ها و افراد فراهم می آورد.

پ) - ساختار اقتصادی: ساختار اقتصاد منطقه شامل صنایع غالب آنها، چگونگی سازمان بندی آن، کیفیت و گستره زنجیره های عرضه، میزان رقابت میان شرکت ها در یک منطقه و ظرفیت خدمات حمایتی (سرمایه گذاری، قانونی، بازاریابی و حمل و نقل) می باشد. در این راستا عملکرد نامطلوب سرمایه گذاری بخش خصوصی می تواند دو توصیه اصولی را در پی داشته باشد: اول آن که اقتصاد منطقه باید با ایجاد ارتباط با بازارهای ملی و بین المللی، خود را برای کسب سهمی از منافع ملی و جهانی شدن توانمند

سازد و با توسعه بنگاه‌های بخش خصوصی قوی امکان دسترسی به منابع مالی و فن‌آوری را تحقق بخشد. دوم آنکه توسعه بخش خصوصی با ویژگی فوق، نیازمند شرایط محیطی مناسبی است که با ایجاد ظرفیت‌های نهادی برای توسعه رقابت، زمینه فعالیت کارای بنگاه‌های خصوصی را فراهم کند (نیلی، ۱۳۸۲: ۳۸۱).

ت - توسعه زیرساخت‌های فیزیکی: از وظایف مهم بخش دولتی در توسعه، تدارک زیرساخت‌های فیزیکی به عنوان مکمل سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی است. به عبارت دیگر سرمایه‌گذاری زیربنایی خود می‌تواند انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری مولد باشد، لذا تصمیم برای سرمایه‌گذاری در زیربنای، نیازمند یک دید توسعه‌ای بلند مدت است (منبع پیشین، ص ۳۸۵).

ث - تأمین مالی: از الزامات و پیش شرط‌های دیگر برای توسعه منطقه، وجود سیستم‌های مالی مناسب و کارا برای پاسخگویی به تقاضای سرمایه‌گذاران است، به طوری که این امر نقش حساس و کلیدی در فرایند توسعه ناحیه‌ای از طریق تسهیل در تجهیز منابع برای سرمایه‌گذاری‌ها ایفا کرده است.

ج - هزینه‌های کسب و کار: عوامل هزینه‌ای در کسب و کار مانند سطوح مالیاتی، قیمت زمین، اجاره‌ها موارد عمده قابل توجه در کسب و کار می‌باشند. این عوامل محلی نقش مهمی در توسعه‌ی کسب و کارها ایفا می‌کنند.

چ - شبکه ارتباطات منطقه: ارتباطات بین شرکتها، بین بخش عمومی و خصوصی، سازمانها هم در یک شهرستان و هم در ناحیه به ایجاد متحدان استراتژیک و پرورش نوآوری کمک می‌کند.

ح - نهادهای محلی: نهادهای محلی و موضوعات فرهنگی شامل نهادهایی می‌شود که از نوآوری و یادگیری حمایت می‌کنند.

خ - وحدت چشم‌انداز: به طور روز افزونی مشخص شده است که درجه‌ای که در آن شهروندان و تصمیم‌گیرندگان یک ناحیه دارای چشم‌انداز یکسانی باشند و همواره بر اساس همان بینش مشترک عمل نمایند یک عامل مهم در تعیین جو رقابتی آن منطقه می‌باشد. (نمودار شماره ۵).

نمودار ۵- منابع رقابت بین شهرها



۲-۵-۵- هویت منحصر به فرد

هیچ اجتماع انسانی یا تمدن بشری بدون داشتن تصویری از خود جمعی و هیچ انسانی بدون داشتن درکی از خود امکان شکل گیری ندارد، چه رسد به این که بتواند در جهان عمل کند و به مرحله رشد و تطور برسد. کاشان در طول تاریخ دارای هویتی متمایز بوده است که اجزای آن به صورتی نظام مند در ارتباط بوده اند. از هم گسیختگی ساختار هویتی ناحیه کاشان که وحدت اجتماعی فرهنگی و اقتصادی کاشان را شکل می داد با پیدایش و ظهور ساختارها و ساز و کارهای فرهنگی اجتماعی و اقتصادی تازه همراه بوده است. به بیانی دیگر، آن از هم گسیختگی معلول این ظهورات و زایش ها بود. با از هم گسستگی نظم هویتی، بخش های مختلف اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی همگی با پناه جویی به ویژگی های خاص خود به صورت موضوعات بالقوه یا بالفعل معارض یکدیگر برآمدند زیرا عنصر وحدت بخش و یکپارچه ساز هویتی خود را از دست داده و فاقد نسبتی مشترک که آنها را در چارچوب های بزرگتر در هماهنگی با یکدیگر گرد هم آورد شدند.

تغییرات هویتی امری لازم برای تمام هویت هاست. نه تنها ماهیت متغیر اوضاع و احوال اجتماعی و ویژگی تاریخی حیات انسانی، تغییرات هویتی را لازم می سازد، بلکه اگر هویتی نخواهد تصویری جامد و فسیل شده از انسان و جامعه را ارائه دهد و مانع تحول اجتماعی و تکامل انسان شود قطعاً باید درهای خود را بر روی تغییرات باز و متناسب به دگرگونی های تاریخی و اجتماعی باز نگه دارد. بحران هویتی در صورتی می تواند بروز کند که گفتمانهای صاحب نقش در پیدایش و شکل گیری آن اجازه هیچ گونه تغییری را ندهند یا تغییرات اجتماعی به نحوی باشد که به هسته اصلی و بنیان های آن هویت آسیب وارد کند (کچویان، ۱۳۸۶: ۷۶).

۲-۵-۶- موقعیت یابی

موقعیت ناحیه، تصویر ذهنی یک ناحیه است. جایگاه یک ناحیه بر طبق صفات برجسته آن از دیدگاه مردم و گردشگران و سرمایه گذاران تعریف می شود. به عبارت دیگر جایگاه و موقعیت یک ناحیه، مجموعه پیچیده ای است از برداشتها، تأثیرات و احساساتی که مردم، گردشگران و سرمایه گذاران به یک ناحیه نسبت به سایر نواحی پیدا می کنند. لذا با تأکید بر اهمیت داشتن یک تصویر متمایز، موقعیت یابی عبارت است از: عمل طراحی تصویر و ارزش ارائه شده به وسیله یک ناحیه به طوری که مردم، گردشگران و سرمایه گذاران، موضعی را که ناحیه در مقایسه با سایر نواحی دارد درک کرده و در تصمیمات خود بکار گیرند (آرمسترانگ و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۱۲).

۲-۵-۷- سرمایه اجتماعی (اعتماد)

اعتماد، از عناصر مهم روابط انسانی و زمینه ساز همکاری میان اعضای جامعه است. اعتماد به عنوان مهم ترین شاخص سرمایه اجتماعی ساز و کاری برای ایجاد انسجام و وحدت در نظام های اجتماعی و تسهیل گر مشارکت، تعاون اجتماعی و پرورش ارزش های مردم سالارانه است، موجب پیوند وثیق شهروندان با نهادهای مختلف اجتماعی می شود و در تقویت، ارتقای اثربخشی و مشروعیت نهادهای اجتماعی مؤثر است. در این میان اعتماد دربرگیرنده این عناصر است: ۱- اطمینان؛ ۲- انتظار؛ ۳- انگیزه؛ ۴- همکاری؛ ۵- تشریک مساعی؛ ۶- تعهد دو طرفه؛ ۷- ارتباط متقابل با همدیگر.

۳- روش تحقیق:

در این مقاله از روش SWOT که یک روش مطرح در شناسایی موضوعات استراتژیک و تدوین استراتژی هاست، بهره گرفته شده است. فلسفه اصلی این روش، تطابق سازمان با محیط اطراف خود است. از این رو عوامل بیرونی و درونی سازمان را در قالب دو مفهوم پیش برندگی (فرصت های بیرونی و نقاط قوت درونی) و تحدیدکنندگی (تهدیدهای بیرونی و نقاط ضعف داخلی) تفسیر می کند. سپس از تقابل نقاط قوت و ضعف درونی با فرصتها و تهدیدهای بیرونی، موضوعات استراتژیک به دست می آید. (حکمت نیا و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۹۳). همچنین مراحل برنامه ریزی بر مبنای سناریوها عبارتند از: ۱- تشخیص نکات قابل بررسی نظام مورد نظر یعنی متغیرهای کلیدی آن و ایجاد ارتباط میان آنها؛ ۲- شناسایی بازیگران اصلی نظام، راهبرد هر یک از آنان و اهرمهایی که برای پیشبرد هدفهای خود در اختیار دارند؛ ۳- توصیف تحول نظام مورد بررسی به صورت سناریو با پذیرش مفروضاتی درباره رفتار بازیگران و با عنایت به محتمل ترین تحول موضوعات استراتژیک (توفیق، ۱۳۸۵: ۱۲).

۴- شناخت و تحلیل ناحیه مورد مطالعه:

۴-۱- وضعیت جغرافیایی

ناحیه کاشان از پنج شهرستان اردستان، نطنز، نائین، کاشان و آران و بیدگل تشکیل شده است. از نظر توپوگرافی ناحیه مورد مطالعه به دو بخش کوهستانی و مرتفع، جلگه و دشت تقسیم می‌شود. قسمت عمده ارتفاعات در غرب و جنوب ناحیه به صورت نواری از شمال غرب به سمت جنوب شرق امتداد داشته و حداکثر ارتفاع در ناحیه ۳۸۹۵ متر و در غرب ناحیه و حداقل آن در حدود ۸۰۰ متر در شرق و شمال در نواحی دشتی وجود دارد. این تنوع ارتفاعی باعث پدید آمدن تنوع طبیعی و به تبع آن تنوع توزیع جمعیتی می‌شود. بر اساس تقسیم‌بندی اقلیمی قسمت‌های شرق - شمال شرق - شمال و مرکز ناحیه دارای آب و هوای گرم و خشک بیابانی است و قسمت‌های غربی و در نواحی کوهستانی ناحیه آب و هوای نیمه خشک و سرد حاکم می‌باشد. با توجه به وضعیت توپوگرافی و اقلیمی ناحیه شرایط همگن و یکنواختی برای استقرار مراکز جمعیتی و سکونت در سطح ناحیه وجود ندارد و اکثر سکونتگاهها و مراکز استقرار جمعیت در آن بخش از ناحیه محدود شده‌اند که منابع آب و خاک کافی در دسترس آنها قرار دارد.

۴-۲- وضعیت جمعیتی

چهره جمعیتی ناحیه کاشان، بیشتر شهری است. در این ناحیه در سال ۱۳۸۳، ۸۰/۶۴ درصد کل جمعیت شهرنشین و ۱۹/۳۶ درصد روستائین بوده‌اند. تمرکز جمعیت در غرب و جنوب غربی بیشتر و در شرق و جنوب شرقی کمتر است. متراکم‌ترین شهرستان‌های ناحیه از نظر جمعیتی در سال ۱۳۸۲ به ترتیب عبارت بودند از: کاشان (۶۲/۶۵ نفر در کیلومتر مربع)، آران و بیدگل (۱۷/۳۹ نفر در کیلومتر مربع) و نطنز (۱۳/۵۱ نفر در کیلومتر مربع). در سال ۱۳۷۵، منطقه کاشان ۵۵/۹ درصد، آران و بیدگل ۱۵/۹ درصد و نائین ۵/۸ درصد (جمعاً ۷۷/۶ درصد) جمعیت منطقه‌ای ناحیه را در خود جای داده بودند.

۴-۳- وضعیت اقتصادی

در سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ به ترتیب ۵۸/۱، ۴۳/۲ و ۵۳/۱ درصد شاغلان ناحیه در بخش صنعت به کار اشتغال داشته‌اند. بخش صنعت در دو دوره ۱۳۵۵ و ۱۳۷۵ نه تنها از نظر نسبی، بلکه از نظر تعداد مطلق شاغلان نسبت به کارکنان دیگر بخشهای اقتصادی ناحیه برتری داشته است. در سال ۱۳۵۵ حدود ۵۸/۱ درصد شاغلان ناحیه در بخش صنعت به کار اشتغال داشته‌اند. در همان سال این نسبت در کل کشور ۳۴/۳ درصد و در مقیاس کل استان ۴۸/۸ درصد بوده است. در سال ۱۳۷۵ شاغلان بخش صنعت حدود ۵۲/۱ درصد از کل شاغلان ناحیه را تشکیل می‌داده‌اند، در حالی که در این سال این نسبت در سطوح کشور ۳۰/۶ درصد در سطح استان اصفهان ۴۲/۱ درصد بوده است.

تفاوت‌های چشمگیر نیز میان سهم شاغلان بخش در سطح شهرستان‌های مختلف ناحیه به چشم می‌خورد. در شهرستان کاشان قاطعیت سهم شاغلان بخش صنعت بسیار بیشتر است و در حالی که با یک سیر نزولی سهم بخش از ۶۵/۹ درصد در سال ۱۳۵۵ به حدود ۵۸ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است، ولی همچنان بخش صنعت به عنوان عامل تعیین کننده در اقتصاد شهرستان عمل می‌کند. این در حالی است که در شهرستان اردستان سهم شاغلان بخش صنعت از ۳۳/۳ درصد کل شاغلان شهرستان در سال ۱۳۵۵ به ۲۴/۸ درصد در سال ۶۵ و ۱۹/۴ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است. همین وضعیت در مورد شهرستان نطنز هم صدق می‌کند و گرچه سهم بخش از ۴۰/۶ درصد در سال ۵۵ تا ۲۲ درصد در سال ۷۱ متغیر بوده و از این بابت نسبت به شهرستان اردستان رقم بالاتری را نشان می‌دهد، ولی از سال آماری ۱۳۶۵ به بعد سهم بخش صنعت نسبت به خدمات برتری خود را از دست داده است. در شهرستان نائین نیز همچون شهرستان کاشان همواره سهم بخش صنعت از قاطعیت برخوردار بوده و از ۵۱ درصد کل شاغلان در سال ۱۳۵۵ به ۴۲/۲ درصد در سال ۱۳۶۵ و ۴۹ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است.

ناحیه کاشان در زمره معدود نواحی کشور است که طی دهه‌های اخیر فعالیت‌های کشاورزی آن همواره تحت‌الشعاع فعالیت دیگر بخش‌های اقتصادی قرار داشته است. در سال ۱۳۵۵ افراد شاغل به کار در بخش کشاورزی حدود ۲۴/۵ درصد از شاغلان ناحیه را در خود اختصاص می‌داده‌اند، تفاوت سهم شاغلان بخش کشاورزی نسبت به کل شاغلان در سال ۱۳۵۵ در سطح شهرستانها چشمگیر است، در حالی که در شهرستان کاشان ۱۸/۸ درصد شاغلان در بخش کشاورزی فعال بودند، در شهرستان نائین این سهم ۲۸/۵ درصد، در شهرستان اردستان ۳۹/۶ درصد و در شهرستان نطنز ۴۳/۲ درصد بوده است. در

سال ۱۳۶۵ از سهم بخش کشاورزی اندکی کاسته شد و به ۲۳/۲ درصد شاغلان ناحیه رسید. این کاهش در سطح شهرستان‌ها هم متعادل بود (به جز شهرستان نطنز که به مقدار بسیار کمی افزایش داشت)، به نحوی که تفاوت سهم بخشها در شهرستان‌ها حادثر نشد. این نسبتها در شهرستان کاشان به ۱۸/۷ درصد، نائین ۲۲/۷ درصد، اردستان ۳۵/۷ و در شهرستان نطنز ۴۳/۵ درصد رسید.

علیرغم افزایش سهم مداوم بخش خدمات در میان شاغلان ناحیه طی دوره‌های مختلف آماری و افزایش چشمگیر آن و وزن اقتصادی آن به سبب غالب بودن نقش بخش‌های صنعت و کشاورزی، بخش خدمات همواره در سایه این دو بخش قرار داشته و در تناسب با آنها رشد یافته است. بخش خدمات در ناحیه کاشان از رشد قابل ملاحظه‌ای طی دهه‌های اخیر برخوردار بوده است. با این وجود شرایط ویژه ناحیه کاشان در گستردگی و غلبه فعالیت‌های صنعتی به ویژه فعالیت‌های مربوط به نساجی به گونه‌ای بوده است که علیرغم رشد کمی واحدهای خدماتی و شاغلان آن، این بخش نتوانسته است چندان خود را به نسبت‌هایی که در سطح کشور و استان وجود دارد، نزدیکتر کند. درحالی که نسبت شاغلان بخش خدمات در سطح کشور از ۳۰/۹ درصد سال ۵۵ به ۴۴/۵ درصد در سال ۱۳۷۵ و در مورد استان اصفهان از ۲۶/۴ درصد سال ۱۳۵۵ به ۴۲/۲ درصد سال ۱۳۷۵ رسیده است، در ناحیه کاشان سهم شاغلان بخش خدمات از کل شاغلان طی همین مدت از ۱۶/۸ درصد به ۳۰/۷ درصد رسیده است. تمرکز شاغلان بخش خدمات در نقاط شهری ناحیه شدیدتر است و در سال ۱۳۷۵ حدود ۸۳/۸ درصد شاغلان بخش خدمات در نقاط شهری ناحیه به کار مشغول بودند. از نظر سهم شاغلان بخش خدمات نسبت به کل شاغلان در میان شهرستانهای ناحیه، شهرستان کاشان همواره پائین‌ترین نسبت را دارا بوده است (به ترتیب ۱۴/۵، ۳۱ و ۲۸/۵ درصد در سال‌های آماری ۵۵، ۶۵ و ۷۵). شهرستان‌های نائین و نطنز با شرایطی تقریباً مشابه یکدیگر اندکی بالاتر از شهرستان کاشان قرار داشته‌اند (به ترتیب ۲۰/۲، ۳۳ و ۳۲ درصد برای شهرستان نائین و ۱۵/۹، ۳۳/۳ و ۳۶/۶ درصد برای شهرستان اردستان).

۴-۴- وضعیت سکونتگاهها

نگاهی به وضعیت طبیعی محدوده ناحیه نشان می‌دهد که سکونت و زیست در ناحیه مورد نظر تا چه اندازه تحت تأثیر عوامل طبیعی بوده است. در بخش کوهستانی ناحیه که به صورت نوار طولی در شمال غربی به جنوب شرقی امتداد یافته در میان آبرفت‌ها و دره‌های کم عرض میان کوهها با توجه به امکان نسبتاً محدود زمین در نواحی کوهستانی و میزان نسبتاً محدود ولی دائمی آب سکونت دائمی، یکجانشینی و به تبع سکونتگاههای روستایی کوچک و بزرگ به صورت پراکنده و یا مترکم شکل گرفته‌اند که از طریق کشاورزی و باغداری و دامداری امرار معاش می‌کنند، اما در مقابل این ساختار روستایی کشاورزی در نقاط کوهستانی، در محدوده‌ی دشت‌ها شاهد شکل‌گیری و پیدایش شهرها هستیم. شهرهای ناحیه در امتداد همین نوار باریک شمال غرب به جنوب شرق در این اراضی جلگه‌ای و دشت‌ها شکل گرفته‌اند. در امتداد این دشت‌ها به سمت شرق به علت شرایط نامناسب طبیعی و مجاورت با کویر نمک و کاهش منابع آب و افزایش منابع آب تعداد سکونتگاهها به شدت کاسته شده و آبادی‌ها نسبتاً پراکنده به صورت چند دسته جدا از هم در فضا توزیع می‌شوند.

۴-۵- جایگاه سیاسی و مدیریتی

مطالعات ناحیه‌ای کاشان نشان می‌دهد که تفرق سیاسی و اجتماعی، مهم‌ترین چالش فراروی اداره و حاکمیت ناحیه کاشان است. (جدول شماره ۲). به گونه‌ای که تعداد قلمروهای مدیریتی در ناحیه کاشان افزایش یافته است. این درحالی است که هیچ ساز و کار مدیریتی برای هماهنگی و همسویی بین قلمروهای مدیریتی درون ناحیه‌ای اتخاذ نشده است و این امر موجب گسترش بیشتر اثرات تفرق مدیریتی در ناحیه کاشان شده است. در شرایط حال و آینده آنچه بیش از همه در کاهش تفرق سیاسی، اجتماعی و مدیریتی کاشان مهم می‌نماید، همسویی و توافق بر منافع مشترک از سوی کلیه عناصر و ذینفعان مدیریت ناحیه کاشان است. تنها از این طریق است که توانمندی‌های متعدد ناحیه کاشان به هم افزایی و ارتقا توان رقابتی ناحیه منجر خواهد شد (شیره‌پز آرانی، ۱۳۸۶: ۱۳۷).

جدول ۳- تغییرات سیاسی و مدیریت کاشان در طی ۷۰ سال گذشته

سال	تغییرات تقسیمات کشوری کاشان	شهرهای تابعه کاشان
۱۳۱۶	کاشان یکی از شهرستان‌های استان دوم	کاشان، قمصر، میمه، نطنز
۱۳۲۲	الحاق مشهد اردهال به کاشان از شهرستان قم	—
۱۳۲۵	تأسیس بخش آران در شهرستان کاشان	—
۱۳۲۷	انتزاع مشهداردهال از کاشان و الحاق به شهرستان محلات	حومه، قمصر، میمه، نطنز، آران
۱۳۳۶	انتزاع میمه از کاشان و الحاق به شهرستان اصفهان	حومه، قمصر، نطنز، آران
۱۳۳۷	انتزاع نطنز از کاشان و استقلال به عنوان شهرستان	حومه، آران، قمصر
۱۳۴۰	جدایی کاشان از استان دوم (مازندران) و الحاق به استان تهران	—
۱۳۴۵	—	حومه، آران، قمصر
۱۳۵۵	—	مرکزی، آران، قمصر
۱۳۵۶	الحاق شهرستان کاشان به استان مرکزی به مرکزیت اراک	—
۱۳۵۷	الحاق شهرستان کاشان به استان اصفهان	—
۱۳۶۸	تشکیل بخش نیاسر	مرکزی، آران، قمصر، نیاسر
۱۳۷۴	الحاق مشهد اردهال به شهرستان کاشان	—
۱۳۷۵	انتزاع بخش آران از کاشان و تشکیل شهرستان آران و بیدگل	مرکزی، نیاسر، قمصر

۵- یافته‌های تحقیق : تحلیل قابلیت‌ها، ضعفها، فرصتها و تهدیدهای ناحیه کاشان:

۵-۱- قابلیت‌ها

- هویت‌مند برخوردار از هویت فرهنگی منحصر به فرد مبتنی بر میراث فرهنگی
- موقعیت جغرافیایی مناسب در منطقه مرکزی کشور
- برخوردار از منابع انسانی و سرمایه‌های فکری
- موقعیت مطلوب کاشان در سطح ملی و بین‌المللی
- همبستگی عمیق اجتماعی و فرهنگی و پیوندهای اقتصادی
- پابندی به ارزشهای اخلاقی، معارف دینی در میان آحاد جامعه و حفظ عنوان منطقه دارالمؤمنین
- احترام متقابل در روابط و مناسبات اجتماعی مبتنی بر وحدت، وفاق و اعتماد و حس تعلق به منطقه
- برخوردار از فرصت‌های اشتغال و مسکن برای گروه‌های مختلف اجتماعی
- تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری
- نرخ بالای تشکیل، حفظ و رشد صنایع کوچک و متوسط
- برخوردار از نهادهای اجتماعی فعال
- برخوردار از حس تعلق و دلبستگی اهالی به کاشان
- برخوردار از جاذبه‌های گردشگری متنوع
- برخوردار از زیرساخت‌های انتقال فن‌آوری
- استقرار نظام آموزشی توسعه یافته با کیفیت برتر در همه سطوح آموزشی و برخوردار از دانشگاه‌های متنوع

۵-۲- محدودیت‌ها و تنگناها

- ضعف تعامل سازنده میراث فرهنگی منطقه با حیات جاری جامعه به منظور ایجاد ارزش افزوده و عدم تناسب برنامه‌های توسعه با دانش و معرفت حاصل از تجارب تاریخی مردم به عنوان یک منبع ارزشمند در بردارنده‌ی شیوه‌های فعالیت و زندگی و ساماندهی مناسبات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی

- ضعف حس مسؤولیت عمومی و جلب مشارکت عمومی در حفظ، صیانت، حفاظت، احیا و بهره‌برداری خردمندانانه از میراث فرهنگی، به منظور تقویت مؤلفه‌های هویتی و تحکیم همبستگی منطقه‌ای

- ضعف در چرخه حیاتی رشد اقتصادی، خوشه‌های صادراتی رقابتی

- ضعف در کیفیت مطلوب مکانی قادر به جذب سرمایه‌گذاران، منابع انسانی و گردشگران

- ضعف همسویی راهبردی برای تخصیص بهینه منابع ذینفعان به منظور بهبود موقعیت رقابتی، ایجاد ثروت، اشتغال و کیفیت زندگی

- عدم شکل‌گیری هویت منطقه‌ای منسجم بر اساس اعتماد، همگرایی، هماهنگی و همسویی راهبردی فرهنگ‌های مختلف

- عدم تعادل در اجزای سازمان فضایی به لحاظ پذیرش جمعیت و فعالیت متناسب با قابلیت‌ها و مزیت‌های نسبی و ظرفیت توسعه پذیری

- عدم انسجام کافی سازمان‌های دولتی، عمومی، بخش خصوصی و نهادهای غیردولتی

- ضعف در مدیریت بخش خصوصی قادر به تشخیص تغییرات محیطی، پاسخگویی راهبردی

- ضعف ساختارها، سامانه‌ها و هویت‌هایی که فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات به آنها حیات می‌بخشند

- ضعف نیروی کار ماهر و رقابتی در عرصه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات

- ضعف پاسخگویی به نیازهای متنوع فرهنگی و ضعف تأمین منابع مالی سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی، سرمایه‌گذاری گسترده در بخش فرهنگی و هنر

- ضعف بستر مناسب برای برگزاری پدیده‌ها و حوادث مهم فرهنگی مبتنی بر هویت تاریخی و میراث فرهنگی منطقه

- فقدان فرهنگ یادگیری دایم برای ارتقای توانمندی تخصصی، حرفه‌ای و مدنی مردم

- ضعف در ایجاد محیط با ثبات، هزینه رقابتی و تأمین منابع مالی برای بعضی کسب و کارها به عنوان اساسی حفظ و ایجاد اشتغال و ثروت و ارتقای کیفیت آنها

- ضعف زیرساخت‌های حمل و نقل با قابلیت رقابتی

- ضعف در توسعه فعالیت‌ها بر اساس شاخص‌های سلامت، مردمانی برخوردار از سلامت (جسمی، روانی و اجتماعی)

- ضعف بهره‌وری در بخش‌های مختلف کسب و کار

- ارتباط ضعیف نهادهای دانش محور با کسب و کار برای ارتباط شبکه‌های علمی و کاربردهای تجاری

- ضعف فعالیت‌های نوین اقتصادی مبتنی بر دانش

- ضعف طراحی شهری مبتنی بر مقیاس انسانی

۳-۵- فرصت‌ها

- حمایت دولت از توسعه گردشگری

- حمایت دولت از توسعه صنعت

- حمایت دولت از توسعه علم و فناوری

- حمایت دولت از رونق کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری

- ترویج و گسترش فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و دسترسی آسانتر به اطلاعات

- آزادسازی اقتصادی و حمایت دولت از توسعه بخش خصوصی

۴-۵- تهدیدها

- تهاجم فرهنگی به ارزشها و هنجارهای فرهنگ اسلامی

- وجود رقابت شدید در بازارهای بین‌المللی و افزایش شمار عرضه کنندگان فن‌آوری

- افزایش گزینه‌های انتخاب فن‌آوری به واسطه کثرت فن‌آوری‌های در دسترس

- افزایش آهنگ احاطه به فن‌آوری‌های پیچیده و امکانات آسان‌تر در تولید محصولات

- کاهش موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای

- آزادسازی رژیم‌های سرمایه‌گذاری خارجی

- ظهور الگوی جدید برای رقابت که ویژگی آن مزیت مثبتی بر فن‌آوری و دانش می‌باشد
- ساختارهای سازمانی جدید که کمتر مفاهیم سلسله مراتبی در آن به کار گرفته می‌شود
- ورود بنگاهها به شبکه‌های عظیم فن‌آوری و تولید
- افزایش روند جانشینی مواد اولیه سنتی با مواد جدید

۵-۵- موضوعات استراتژیک

- ۱- هویت فرهنگی منحصر به فرد مبتنی بر میراث فرهنگی
- ۲- استفاده از منابع انسانی و سرمایه‌های فکری و ضعف حمایت‌های لازم برای ارتقای نوآوری شهروندان، سازمان‌ها، نهادهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی
- ۳- ایجاد چرخه حیاتی رشد اقتصادی، خوشه‌های صادراتی رقابتی و ضعف فضای کسب و کار به منظور ایجاد یک محیط با ثبات، امن و آگاهی بخش برای فعالیتهای اقتصادی با هزینه‌های رقابتی نسبت به سایر مناطق
- ۴- موقعیت (position) کاشان در سطح ملی و بین‌المللی
- ۵- شبکه‌ای توسعه یافته راهها در سراسر منطقه و ارتقای ظرفیت حمل و نقل عمومی
- ۶- توجه جدی به سلامت در شکل‌گیری و انجام کلیه فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
- ۷- اعتماد، همکاری، هماهنگی و همسویی راهبردی هویت‌های مختلف منطقه کاشان بر اساس منافع مشترک
- ۸- بهره‌وری انرژی و منابع با تأکید بر مدیریت بهینه منابع و مصارف آب
- ۱۰- استانداردهای زیست محیطی برای شکل‌گیری منطقه‌ای با کمترین آلودگی محیطی (شیره‌پز آرانی، ۱۳۸۶: ۱۴۱).

۶- تجزیه و تحلیل یافته‌ها:

۶-۱- سناریوهای آینده ناحیه کاشان

سناریوی الف: ادامه وضعیت موجود (تمرکز شدید شهر کاشان)

این سناریو، مبتنی بر الگوی رشد و سازمان فضایی شدیداً تمرکزگرا به مرکزیت شهر کاشان خواهد بود که طی آن علاوه بر توسعه کالبدی و رشد جمعیت قابل ملاحظه‌ی شهر کاشان، نقاط جمعیتی چندی در حوالی نزدیک آن تحت تأثیر پتانسیل شهر قرار خواهد گرفت. مهاجرفرستی نقاط شهری و روستایی افزایش خواهد یافت و سمت و سوی بخش قابل ملاحظه‌ی آن به سوی شهر کاشان خواهد بود. این سناریو، تعادل ساختاری ناحیه کاشان را به هم خواهد زد.

سناریوی ب: پراکندگی

در این سناریو، هر کدام از شهرستان‌های ناحیه کاشان به صورت جداگانه و ناهماهنگ با توسعه سایر شهرستانها، اهداف توسعه‌ای خود را دنبال خواهند کرد. رقابت بین شهرستانها افزایش خواهد یافت و شکاف شاخص‌های توسعه‌یافتگی میان شهرهای کوچک و متوسط به طور محسوس عمیق‌تر خواهد شد. هم‌افزایی در فرایند توسعه تضعیف خواهد شد و هر چند که هر شهرستان به اهداف توسعه‌ای خود به صورت نسبی دست خواهد یافت، اما از نظر همبستگی اجتماعی و توسعه پایدار نتیجه‌ی درخشانی حاصل نخواهد شد، زیرا بخشی از منابع شهرستانها برای رقابت با سایر شهرستانها اختصاص خواهد یافت.

سناریوی پ: تعامل محدود

در این سناریو بعضی از شهرستانها درباره‌ی موضوعات معین با شهرستانهای دیگر به تفاهم خواهند رسید. این همکاری‌ها بین شهرستانها در چارچوب یک طرح کلی توسعه نخواهند بود. هر چند بین بعضی شهرستانها، انسجام و تفاهم صورت خواهد گرفت، اما این انسجام می‌تواند به رقابت درون ناحیه‌ای منجر شود و موجب تضعیف هم‌افزایی در سطح ناحیه شود.

سناریوی ت: توسعه متوازن

شهرستان‌های مختلف ناحیه کاشان برحسب فرصتها و قابلیت‌ها، راهبردهای متفاوتی را دنبال خواهند کرد. شهرستانهای مختلف خواهند کوشید تا بر محور یکپارچگی در سطح ناحیه بر ارزشهای انسجام و همبستگی تأکید ورزند و راهبردهای خود را در قالب یک طرح توسعه ناحیه‌ای محقق و اجرایی سازند. این امر موجب هم‌افزایی بین فعالیتهای توسعه‌ای شهرستانهای

مختلف ناحیه کاشان خواهد شد. محدوده‌ی همگن طبیعی و جغرافیایی ناحیه کاشان به هم پیوندی اقتصادی و عملکردی منجر خواهد شد. بنیاد این سناریو به جهت‌گیری عملکردی همسوی شهرستانهای شکل دهنده‌ی ناحیه کاشان و تشکیل یک کل منسجم با ارتباطات درونی گسترده و توجه به وزن فعلی قابل توجه شهر کاشان استوار خواهد بود. این سناریو به تعادل فضایی مطلوب و توسعه متوازن ناحیه‌ای منجر خواهد شد.

۶-۲- چشم‌انداز ناحیه کاشان

منطقه‌بندی که فرایند تقسیم کشور به واحدهای داخلی کامل، همشکل و یکسان است، برآیند یک رشته فرایندهایی است که فقط تقسیم عملیاتی کشور به تعدادی واحدهای داخلی نیست، بلکه شیوه درک و شناخت الگوهای فعالیت واحدهای تولیدی و خدماتی سرزمین، مزیت‌ها، ساختارها، مکان‌یابی فعالیت‌ها، اولویت بندی‌ها هم است. در منطقه‌بندی تمرکز زدایی، مشارکت مردم، استفاده از مزیت‌ها و شناخت مزیت‌های طبیعی و نسبی و ایجاد مزیت‌های جدید از پیش شرط‌های اساسی به شمار می‌رود. بدین ترتیب در منطقه‌بندی، همگرایی به عنوان یک وضعیت خاص اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و اکولوژیکی جهت افزایش وفاداری‌ها و همبستگی‌ها در قلمرو سرزمین مورد توجه است. این همگرایی ناشی از پیوندهای مشترک قومی، زبانی، فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و اقتصادی در یک قلمرو جغرافیایی معین است.

نخستین موضع در مورد ناحیه کاشان دستیابی به یک هویت منطقه‌ای منسجم است. احساس داشتن شباهت با سایر شهروندان و تمایز با سایرین و در نهایت احساس تعلق عمیق به منطقه، پشتوانه قوی فرهنگی و موتور حرکتی قوی برای دستیابی به اهداف توسعه انسانی است و به بهره‌برداری از نیروی انسانی به عنوان ثروت اصلی یک منطقه کمک می‌کند. ناحیه کاشان به عنوان یک سیستم اجتماعی وسیع و پیچیده در درون خود دارای گروه‌های هویتی متعدد است که هر یک برخی از عناصر فرهنگی فرهنگ غالب را در خود دارند و می‌توانند در تقویت هویت و انسجام آن و بازتولید فرهنگی مؤثر باشند، اما آنچه حایز اهمیت است، تشکیل یک هویت جمعی منسجم منطقه‌ای است که بتواند همه فرهنگ‌های کوچک‌تر را پوشش داده و آنها را در برگیرد. بنابراین یکی از نقاط چشم‌انداز کاشان باید ایجاد هماهنگی بین فرهنگ‌های منطقه کاشان و جلوگیری از ایجاد فرایندهایی باشد که در جهت عکس فرهنگ غالب عمل می‌کنند.

بنیاد چشم‌انداز کاشان بر جهت‌گیری عملکردی ناحیه و تشکیل یک کل منسجم با ارتباطات درونی گسترده و توجه به وزن فعلی قابل توجه شهر کاشان است. مدل توسعه کاشان در آینده باید محدوده همگن طبیعی و جغرافیایی کاشان را به سوی هم پیوندی اقتصادی و عملکردی سوق دهد تا از این بابت به منطقه انسجام دست یابد. هم اکنون علایم ضعیف چنین وضعیتی به طور خود به خودی در سطح ناحیه مشاهده می‌گردد. ناحیه در طول گسترش یافته است. وجود یک محور ارتباطی قوی در سطح ملی که شاهراه ارتباط تهران با جنوب کشور است، پس از گذشتن از کاشان، اردستان، نائین به سمت یزد پیش می‌رود. این شاهراه ملی همه شهرهای مرکزی ناحیه را غیر از نطنز به یکدیگر مرتبط کرده و قطعاً در سهیل و روانتر شدن ارتباط درون ناحیه‌ای از نظر اقتصادی، اجتماعی، عملکردی در آینده، تأثیرات خود را به جای خواهد گذاشت. به این معنی که این محور ارتباط ملی می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای در رشد موقعیت شهرهای مستقر در این محور ایفا خواهد کرد. نگاهی به وضعیت سکونتگاه‌هایی که در حاشیه این محور و بر روی این محور بوده‌اند نیز نشان می‌دهد که در طی سالهای اخیر از ثبات جمعیتی بیشتری برخوردار بوده و رشد نسبتاً مطلوبی را طی کرده‌اند. عمده تمرکز جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی و بخش‌های پر تحرک و پویای ناحیه بر حاشیه همین محور قرار دارد.

نواحی با استعداد زیاد برای استقرار جمعیت و فعالیت عمدتاً در قسمت غرب ناحیه به صورت یک نوار پهن از شمال غرب به سمت جنوب شرق امتداد یافته‌اند. این اراضی را عمدتاً دشت‌ها و جلگه‌های دارای منابع آب و خاک حاصلخیز تشکیل می‌دهند. این نواحی فقط ۹/۶ درصد مساحت ناحیه را دربر می‌گیرند. اراضی دارای استعداد متوسط برای استقرار جمعیت در تمام ناحیه به صورت پراکنده وجود دارند و فقط در بخش شمال ناحیه و شمال شرق ناحیه مشاهده نمی‌شوند. این اراضی در حدود یک سوم مساحت ناحیه (۳۰/۴ درصد) را تشکیل می‌دهند. این اراضی مشتمل بر اراضی دارای شیب نسبتاً تند، نواحی با خطر زلزله نسبتاً بالا، دشت‌های کوهستانی و مراتع خوب، نواحی سیل‌گیر و مناطق حفاظت شده می‌باشند. از طرفی نیز در اراضی یاد شده به دلیل محدودیت‌های برشمرده شده مناسب نمی‌باشد. منظور از فعالیت عمدتاً استقرار صنایع بوده و استفاده

آبخیزداری، پژوهشی، علمی و خدماتی می‌تواند در این اراضی صورت پذیرد. اراضی دارای استعداد کم برای استقرار جمعیت و فعالیت در جابجای ناحیه مشاهده می‌شوند و بیش از نیمی از مساحت ناحیه را به خود اختصاص داده‌اند (۶۰ درصد). این اراضی مشتمل بر نواحی دارای خطر زلزله با پهنه بالا، تپه‌های ماسه‌ای و شنی، خاک‌های شور، ارتفاعات، زمینهای دارای شیب تند، مناطق کویری، مراتع درجه یک و مناطق جنگل کاری شده و دریاچه نمک می‌باشند. نواحی دارای استعداد کم برای استقرار جمعیت و فعالیت در مناطق غربی در صورت وجود منابع آب و خاک مناسب در ارتفاعات و مناطق دارای خطر زمین لرزه با پهنه بالا، امکان فعالیت‌های خاص وجود دارد. فعالیت‌های تفریحی- فراغتی و گردشگری از جمله مهم‌ترین فعالیت‌هایی است که در واحدهای یاد شده انجام پذیر است.

۳-۶- سناریوهای شهر کاشان

الف- توسعه کالبدی گسسته و مستقل

در این گزینه محدوده‌ی شهر کاشان به محدوده مصوب فعلی آن محدود شده است و راوند به یک شهر مستقل تبدیل شده و محور قطب راوندی و پیرامون آن جزء حریم این دو شهر مستقل قرار می‌گیرد. این گزینه خصلت واگرا داشته و با همگرایی ذاتی ساختار مرکزی مذکور ناسازگار است. استقلال راوند و به ویژه خروج محور پرمسئله قطب راوندی از مدیریت مستقیم شهر کاشان می‌تواند کنترل‌پذیری آنها را کاهش داده و توسعه کالبدی ناخواسته را تشدید کند. ضمن آنکه به لحاظ گرایش‌های اجتماعی و اقتصادی نیز تمایل زیادی به این استقلال مشاهده نمی‌شود.

ب- توسعه کالبدی منفصل

در این گزینه، راوند به عنوان جزء منفصل محدوده شهر کاشان محسوب شده است و محور قطب راوندی در حریم منطقه و حد فاصل دو محدوده منفصل مذکور قرار می‌گیرد. اگر چه واگرایی فضایی این گزینه کمتر است، اما در هر صورت کنترل-پذیری محور قطب راوندی را کاهش می‌دهد و در عین حال با واقعیت چسبندگی کالبدی عناصر سه گانه مذکور منافات دارد.

پ- توسعه کالبدی پیوسته

در این گزینه محدوده شهر کاشان به صورت پیوسته گسترش یافته و محدوده‌های راوند و محور قطب راوندی را در بر می‌گیرد. این گزینه با واقعیات فضایی و کالبدی، اجتماعی و اقتصادی و مدیریتی موجود انطباق بیشتری دارد و اگر چه محدوده منطقه را تقریباً تا حد ملاک عمل موجود (به جز طاهرآباد و خزاق به علت انفکاک کالبدی) افزایش می‌دهد، اما پتانسیل مدیریت و کنترل‌پذیری محدوده‌های پر مخاطره را افزایش می‌دهد (طرح جامع کاشان، ۱۳۸۵: ۱۸۱).

۴-۶- الگوی توسعه‌ی شهر کاشان

در الگوی اقماری، برخی کانون‌های سکونتی در پیرامون منطقه مرکزی (موجود یا نو بنیاد) نقش مهمی را در جذب سرریز جمعیت و فعالیت شهر مرکزی بر عهده می‌گیرند و علیرغم وابستگی به بخش مرکزی دارای استقلال نسبی هستند. افزایش می‌دهد (شیعه، ۱۳۶۹: ۱۸۱). این کانون‌های جمعیت و فعالیت ضمن جدایی از یکدیگر از طریق محورهای ارتباطی مشخص به بخش مرکزی مرتبط می‌شوند. الگوی اقماری محدوده شهری کاشان را به لحاظ فرمی و ساختاری می‌توان الگوی شعاعی-تشخیص داد که از یک منطقه مرکزی یا فشرده منشعب شده و در مراحل تکوین خود به الگوی کلان اقماری و فرم شعاعی-نیمه حلقوی تبدیل خواهد شد.

الف - وجود یک منطقه مرکزی با محدودیت توسعه به عنوان اندام اصلی منطقه با عملکردهای مسکونی، فعالیتی و گردشگری پالایش یافته و مشتمل بر مرکز اصلی منطقه؛

ب- وجود کانون‌های اقماری پیرامون منطقه مرکزی به صورت زیر :

۱- راوند در شمال غربی منطقه مرکزی با عملکرد غالب مسکونی و خدماتی رده دوم

۲- فین بزرگ، کوچک و حسن آباد بخش غربی منطقه مرکزی با عملکرد غالب مسکونی، گردشگری و تفرجگاهی.

نتیجه گیری :

از نظر سلسله مراتب جمعیتی و سکونتگاهی، ناحیه کاشان دارای یک شهر ۲۷۰ هزار نفری (کاشان)، یک شهر ۵۷ هزار نفری (آران و بیدگل)، سه شهر ۲۰-۱۰ هزار نفری، دو شهر ۵-۱۰ هزار نفری و ۸ شهر زیر ۵۰۰۰ نفری و ۷۲۹ آبادی است. شهرهای زیر ۵۰۰۰ نفر عمدتاً چه از لحاظ ساختاری و چه عملکردی خصوصیت روستا شهری داشته و این خود به تغییر چشم انداز از دیدگاه برنامه ریزان شهری منجر شده و از نقش ضعیف محلی برخوردارند و جهت یکنواختی و تراوش توسعه نیاز به تعمیم دیدگاه چشم انداز به معنای کالبدی به نگاهی پیشبینانه و یا قوام آن در یک مجموعه‌ی فضایی می‌باشد. به هرحال وضع موجود در ناحیه کاشان به صورتی است که اکثر شهرها دارای جمعیت زیر ۲۰ هزار نفر هستند و اغلب از توان عملکردی محدود خدماتی برخوردار بوده و از جاذبه‌های قوی تر اقتصادی برخوردار نیستند. علیرغم همگنی در بسیار از عوامل مؤثر در ساختار فضایی، هر یک از شهرستان‌ها از ساختارهای مستقل ولی مشابه و نه در پیوند با هم شکل گرفته‌اند و از نظر نفوذپذیری عمدتاً تحت تأثیر قطب‌های اقتصادی خارج از ناحیه هستند. چشم انداز ناحیه کاشان برای ارتقای توان رقابتی با سایر نواحی کشور باید بر هویت منطقه‌ای منسجم بر اساس اعتماد، همگرایی، هماهنگی و همسویی راهبردی بین شهرستانهای مختلف ناحیه کاشان استوار باشد.

در افق ۱۴۰۴ سال، کاشان ناحیه‌ای خواهد بود:

- ۱- متوازن، برخوردار از عدالت اجتماعی در توزیع عادلانه منابع و امکانات؛
- ۲- تعادل در اجزای سازمان فضایی کاشان به لحاظ پذیرش جمعیت و فعالیت متناسب با قابلیت‌ها و مزیت‌های نسبی و ظرفیت توسعه پذیری؛
- ۳- برخوردار از همبستگی عمیق اجتماعی و فرهنگی و پیوندهای اقتصادی؛
- ۴- برخوردار از انسجام اجتماعی شهروندان با عمق بخشیدن به فرهنگ مشارکت؛
- ۵- برخوردار از انسجام برنامه‌های توسعه و محیط زیست برای تحقق تعادل زیست محیطی - انسجام سازمان‌های دولتی، عمومی، بخش خصوصی و نهادهای غیر دولتی.

بنابراین مهم‌ترین سیاستها برای تحقق چشم انداز ناحیه کاشان عبارت است از:

- ۱- تعیین حوزه‌های برنامه ریزی ناحیه‌ای جهت اجرای طرح‌های توسعه‌ای
 - نهادینه سازی نقش مشارکتی نهادهای مدنی، شوراهای اسلامی شهر و روستا در فرایندهای تصمیم گیری، نظارت و اجرا
 - ارتقای نقش مدیریتی کاشان در بهره‌مندی از فرصت‌های اقتصادی، جذب سرمایه، جذب فن آوری‌های پیشرفته و کمک به استقرار نظام مالی با کمک سایر شهرستان‌های ناحیه کاشان
 - هدایت توسعه متوازن در منطقه کاشان متناسب با قابلیت‌ها و مزیت‌های نسبی و رقابتی آنها و تعدیل سطح توسعه یافتگی میان مناطق کمتر توسعه یافته با مناطق توسعه یافته منطقه
 - تدوین الگوی توسعه منطقه‌ای جهت توزیع بهینه فضایی سرمایه‌گذاری‌ها (با تأکید بر بخش خصوصی)
 - استمرار نقش بخش دولتی در توسعه زیربنای، خدمات اجتماعی و ایجاد زمینه‌های انگیزشی لازم برای بخش خصوصی در شهرها و روستاهای کمتر توسعه یافته و تقویت نقش و حضور بخش عمومی غیر دولتی و بخش خصوصی و مردمی در مناطق توسعه یافته
- ۲- تعادل بخشیدن به نظام استقرار جمعیت و فعالیت در پهنه منطقه، تراکم زدایی از شهر کاشان، تقویت نقش شهرهای کوچک مستعد در خارج از محدوده مجموعه شهری کاشان
- هدفگذاری بلند مدت و تقویت روند طبیعی برای تعادل بخشی به توزیع جمعیت متناسب با توزیع منابع و فعالیت و نیز تعادل ساختار و ویژگی‌های جمعیت در پهنه‌ی سرزمین منطقه
- ساماندهی مراکز جدید اشتغال و اسکان مهاجرین در مناطق دارای توان پذیرش جمعیت متناسب با سرمایه‌گذارهای جدید تولیدی و خدماتی

- ایجاد تعادل نسبی در توزیع و ترکیب جمعیت در سطح منطقه با استفاده از ابزار استقرار فعالیت و زیرساخت ها و بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و امنیتی در مناطق کم جمعیت و استقرار ارادی جمعیت در کانونهای دارای قابلیت توسعه با توجه به توان محیطی عرصه ها و مناطق مختلف

- تعادل جمعیت و فعالیت در پهنه سرزمین با ایجاد موازنه میان فعالیت و جمعیت در شهرها و روستاهای مختلف منطقه.

منابع:

۱. انسف، مک دائل (۱۳۷۵): استقرار مدیریت استراتژیک، ترجمه دکتر عبدالله زندیه، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
۲. اکرمی، موسی (۱۳۷۶): «آینده شناسی و آینده نگری»، نشریه رهیافت، شماره ۱۶، تهران.
۳. بنیاد توسعه فردا (۱۳۸۴): روشهای آینده نگاری تکنولوژی، تهران.
۴. پوراحمد، احمد (۱۳۸۰): «آمایش سرزمین و ایجاد تحول در نظام شهری کشور»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۴۶، تهران.
۵. توفیق، فیروز (۱۳۸۵): برنامه ریزی در ایران و چشم انداز آینده آن، انتشارات مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و مدیریت، تهران.
۶. جان فیلد (۱۳۸۶): سرمایه اجتماعی، نشر کوثر، چاپ اول، تهران.
۷. حکمت نیا، حسن و میر نجف موسوی (۱۳۸۵): کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه ای، انتشارات علم نوین، چاپ اول، یزد.
۸. دیکنز، پیتر (۱۳۷۷): جامعه شناسی شهری، جامعه، اجتماعی، محلی و طبیعت انسانی، ترجمه دکتر حسین بهروان، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم، مشهد.
۹. رفیعیان، مجتبی (۱۳۸۶): «جزوه درسی برنامه ریزی منطقه ای»، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
۱۰. شکوئی، حسین (۱۳۸۳): اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا، جلد دوم، انتشارات گیتا شناسی، چاپ اول، تهران.
۱۱. شوای، فرانسواز (۱۳۷۵): شهرسازی، تخیلات و واقعیات، ترجمه: محسن حبیبی، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. شوراز، پیتر (۱۳۸۸): هندورنگری، برنامه ریزی برای آینده در دنیای عدم قطعیت، ترجمه: عزیز علیزاده، نشر مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی، چاپ اول، تهران.
۱۳. شیره پز آرانی، علی اصغر (۱۳۸۶): «مطالعات طرح تدوین چشم انداز ناحیه کاشان»، فرمانداری کاشان.
۱۴. شیعه، اسماعیل (۱۳۶۹): مقدمه ای بر مبنای برنامه ریزی شهری، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، چاپ اول، تهران.
۱۵. عسگری، علی (پاییز ۱۳۸۰): «نقش شهرها در بهره وری و رشد ملی»، مجله مدیریت شهری، شماره ۷، تهران.
۱۶. علی احمدی، علیرضا و سید سروش قاضی (تابستان ۱۳۸۲): «آینده نگاری تکنولوژی و کاربرد آن در سیاست گذاری و مدیریت تکنولوژی»، نشریه مدیریت فردا، تهران.
۱۷. علی احمدی، علیرضا، مهدی، فتح الله و ایرج تاج الدین (۱۳۸۶): نگرش جامع بر مدیریت استراتژیک، تولید دانش، تهران.
۱۸. فرجی دانا، احمد (۱۳۷۱): «آمایش سرزمین و توسعه فضایی یکپارچه»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۴۶، تهران.
۱۹. کچویان، حسین (۱۳۸۶): نظریه های جهانی شدن: پیامد چالش های فرهنگ و دین، نشر نیف چاپ اول، تهران.
۲۰. کیس، وندر هیدن (۱۳۸۹): سناریوها هنر گفتگوی راهبردی، ترجمه: مسعود منزوی، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی، تهران.
۲۱. گری، آرمسترانگ و فیلیپ کاتلر (۱۳۸۶): اصول بازاریابی، ترجمه: علی پارسایان، نشر ادبستان، چاپ دوم، تهران.
۲۲. گلکار، کوروش (۱۳۸۴): «چشم انداز شهر و محله: پیشنهاد یک چارچوب مفهومی صورت بندی بیانیه چشم انداز»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴، تهران.
۲۳. لیندگرن، متس (۱۳۸۹): طراحی سناریو: پیوند بین آینده و راهبرد، ترجمه: عبدالعزیز تاتار، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی، تهران.
۲۴. گوده، میشل (۱۳۷۵): «از پیش بینی تا چشم انداز راهبردی»، مجله برنامه و بودجه، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، تهران.
۲۵. مطالعات طرح جامع شهرکاشان (۱۳۸۵): شهرداری کاشان.
۲۶. نیلی، مسعود و همکاران (۱۳۸۲): استراتژی توسعه صنعتی کشور، انتشارات دانشگاه صنعتی شریف، چاپ اول، تهران.
27. D.Loveridge (2008): Foresight, The art and science of anticipating the future.
28. Z. arthours (1984): landscape ecology .springer-verlage.p.21.